

بررسی مولفه های مرتبط با هویت اجتماعی زنان از دیدگاه نویسندگان زن معاصر (مطالعه موردی آثار فرخنده آقایی)

زیبا مرادی

دانشجوی کارشناسی ارشد در رشته ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، ایران

زهرا رفیعی

عضو هیئت علمی رشته ادبیات، دانشگاه آزاد اسلامی، واحد شیراز، ایران

چکیده

زنان سنتی آثار آقایی با شاخصه‌هایی چون خانه داری، انقیاد از نظام مردسالار و پایبندی به سنن مرسوم به تصویر کشیده شده اند. این زنان تمام وقت خود را صرف رسیدگی به زندگی خانوادگی می کنند و سرنوشتشان با انجام کارهای زنانه گره خورده است. آن ها همه سختی های زندگی را برای حفظ کانون زندگی خانوادگی به جان می خرنند به گونه ای که خانواده بخشی از هویت وجودی آن ها شده است. اغلب زنان سنتی آثار این دو نویسنده، زنانی بی پناه، تنها و شکست خورده اند و مهم ترین مشخصه آن ها انفعال و سازش در برابر مردان است. مطابق نتیجه این پژوهش، در کنار حضور صعودی و سیر پرشتاب رمان نویسان زن در جامعه، گرایش آن ها به انتخاب عناوین رمانتیک و عامه پسند و در مرتبه بعدی عنوان بندی متناسب با منش زنانه بنیاد و تفکرات فمینیستی برای هویت یابی و کسب مشروعیت در روایت گری مشهود است. با توجه به تأثیر رمان، در شکل دهی به شناخت و ذهنیت افراد درباره مسائل اجتماعی و با توجه به حضور گسترده زنان نویسنده در عرصه رمان نویسی در دهه ۸۰ و ۹۰ شمسی، این مقاله در پی بازنمایی هویت اجتماعی زنان است که در بستر روایت داستانی، نحوه کنش قهرمان زن را در موقعیت های مختلف داستانی تعیین می کند که آن می تواند نمایشی از هویت زنانه ای باشد که در جامعه وجود دارد.

واژگان کلیدی: هویت اجتماعی، زن معاصر، فرخنده آقایی

مقدمه

انقلاب اسلامی ایران تأثیرگذارترین عامل دگرگونی تاریخی- فرهنگی ایران معاصر است که همراه با تحولات بنیادین در حوزه های فکری، اجتماعی، سیاسی و ... نظام ادبی کشور را نیز به سرعت متأثر و متحول ساخت. بی گمان یکی از برجسته ترین نشانه های این تحول اساسی، حضور فزاینده زنان در آفرینش آثار ادبی بویژه ادبیات داستانی معاصر است. از آنجا که رمان مهمترین ژانر متناسب با روح حاکم بر دنیای انسان معاصر و ظرف گفتمان های ادبی جامعه به حساب می آید، اهمیتی فوق العاده در شناسایی جریان های فکری دارد. با توجه به ضرورت بازشناسی جریان های فکری - ادبی در آشنایی با گفتمان های غالب و یا حاشیه ای در جامعه ایرانی، این جستار به شیوه توصیفی- تحلیلی و به کمک رهیافت های هرمنوتیکی تلاش کرده است با تکیه بر عناوین رمان های زنان پس از انقلاب، مهمترین گرایش های فکری- ادبی و گفتمان های ناظر بر آن ها را از ابتدای انقلاب تا انتهای دهه هفتاد طبقه بندی و بازنمایی کند. زنان سنتی آثار آقایی با شاخصه هایی چون خانه داری، انقیاد از نظام مردسالار و پایبندی به سنن مرسوم به تصویر کشیده شده اند. این زنان تمام وقت خود را صرف رسیدگی به زندگی خانوادگی می کنند و سرنوشتشان با انجام کارهای زنانه گره خورده است. آن ها همه سختی های زندگی را برای حفظ کانون زندگی خانوادگی به جان می خورند به گونه ای که خانواده بخشی از هویت وجودی آن ها شده است. اغلب زنان سنتی آثار این دو نویسنده، زنانی بی پناه، تنها و شکست خورده اند و مهم ترین مشخصه آن ها انفعال و سازش در برابر مردان است.

مبانی نظری و پیشینه پژوهش

مولفه های مربوط به هویت اجتماعی زنان

مولفه های مربوط به هویت اجتماعی زنان می توانند به طور گسترده ای متنوع باشند و تحت تأثیر عوامل مختلفی قرار بگیرند. در اینجا، چند مولفه کلیدی که به هویت اجتماعی زنان مربوط می شوند را بررسی خواهیم کرد: جنسیت: جنسیت یکی از مولفه های مهم هویت اجتماعی زنان است که نقش بسیار مهمی در تعریف هویت زنان دارد. تجربه زنان به عنوان افراد با جنسیت مختلف از تجربه مردان ممکن است متفاوت باشد و این تجربه ها بر هویت اجتماعی زنان تأثیرگذار باشند. نقش های اجتماعی: نقش های اجتماعی که زنان در جامعه به عنوان مادر، همسر، دختر، خواهر، کارمند، رهبر و ... دارند نیز از مولفه های مهمی در هویت اجتماعی زنان محسوب می شود. این نقش ها می توانند تأثیر گسترده ای بر تصویر زنان از خودشان و جایگاهشان در جامعه داشته باشند. تجربیات فردی: تجربیات فردی از جمله تجربیات خانوادگی، تحصیلی، حرفه ای و فرهنگی نیز به هویت اجتماعی زنان تأثیر می گذارند. این تجربیات می توانند شکل و شمایل هویت اجتماعی زنان را تعیین کنند و آن ها را به عنوان اعضای خاصی از جامعه معرفی کنند. فرهنگ و اجتماع: محیط فرهنگی و اجتماعی که زنان در آن زندگی می کنند نیز به طور قابل توجهی بر هویت اجتماعی آنان تأثیر می گذارد. این شامل ارزش ها، باورها، نگرش ها، تعادل قدرت، و ساختارهای اجتماعی است که در جامعه وجود دارد. رسانه و فناوری: نقش رسانه ها و فناوری در شکل گیری هویت اجتماعی زنان نیز بسیار مهم است. تصاویر، نقدها، و نمایش های مربوط به زنان در رسانه ها می توانند تصویر آن ها را در جامعه تأثیر بدهند و از نظرات و انتظارات جامعه نسبت به زنان تأثیر بگذارند.

پیشینه پژوهش

میرزاییان و همکاران (۱۴۰۱) در مطالعه ای به بررسی تحلیل سیر تحول انسان گرایی مدرن شخصیت های زن در رمان فارسی پرداختند. بررسی انجام شده بیانگر آن است که آنچه نویسندگان به تصویر می کشند، نشان می دهد که در دوره اول تحول ناشی از رواج لذت گرایی مدرن نتوانسته است به طور کلی ذهن زنان را از تفکرات وابسته به سنت رها کند. رواج بیش از پیش مولفه های مدرنیته در بازه زمانی دوم، میدانی گسترده تر از علایق و خواست های انسانی را برای زنان مهیا کرده است. رواج اندیشه های فمینیستی هرچند نشان از رواج تدبیر گرایی مدرن در این دوران است، تناقضات رفتاری زنان و میزان سطحی بودن این تفکر را در بین آنان نشان می دهد. افراط

در پیروی از خواسته‌های انسانی و غریزی در دوره سوم حاکی از جهش تفکر انسان‌گرایی است. در این دوران، انفعال ناشی از تقدیرگرایی نیز مورد انتقاد نویسندگان بوده است.

رضوانیان (۱۳۹۴) در مطالعه‌ای به بررسی بازنمایی هویت زن در آثار داستان نویسان زن دهه هشتاد پرداختند. رمانها در بازنمایی هویت زن به سه دسته تقسیم می‌شوند: رمانهایی که به طور مشخص در زمینه هویت یابی زنان نوشته شده‌اند؛ رمانهایی که زنانی هویت یافته را نشان می‌دهند، اما هویت یابی موضوع محور آنها نیست؛ و رمان‌هایی که نه به تأمل و خوداندیشی زنان پرداخته‌اند و نه زنان در آنها به فردیت دست یافته‌اند. در رمانهای گروه اول و دوم، هویت زنان دغدغه اصلی نویسنده است که در یکی برای دستیابی به آن تلاش میشود و در دیگری امری تثبیت شده است، اما در داستانهای عامه پسند، زنان داستانها فردیت و استقلال هویتی چندانی ندارند.

ساروخانی و رفعت‌جاه (۱۳۸۳) در مقاله «زنان و بازتعریف هویت اجتماعی» عواملی که زنان را به تأمل در هویت سنتی، مقاومت در برابر کلیشه‌های جنسیتی و بازتعریف هویت اجتماعی قادر می‌سازند، بررسی کرده و نشان داده‌اند که تحصیلات، بیشترین تأثیر را در بازتعریف هویت اجتماعی زنان داشته است.

تحلیل یافته‌های پژوهش

مؤلفه‌های اصلی ترسیم شده از شخصیت زنان سنتی در آثار فرخنده آقایی

زنان سنتی آثار آقایی با شاخصه‌هایی چون خانه‌داری، انقیاد از نظام مردسالار و پابندی به سنن مرسوم به تصویر کشیده شده‌اند. این زنان تمام وقت خود را صرف رسیدگی به زندگی خانوادگی می‌کنند و سرنوشتشان با انجام کارهای زنانه گره خورده است. آن‌ها همه سختی‌های زندگی را برای حفظ کانون زندگی خانوادگی به جان می‌خورند به گونه‌ای که خانواده بخشی از هویت وجودی آن‌ها شده است. اغلب زنان سنتی آثار این دو نویسنده، زنانی بی‌پناه، تنها و شکست خورده‌اند و مهم‌ترین مشخصه آن‌ها انفعال و سازش در برابر مردان است. مهم‌ترین ویژگی‌های این زنان عبارتند از:

خانه داری و تکرار نقش جنسیتی

خانه‌داری به‌طور سنتی از وظایف زنان بوده است و آنان بیشتر زمان خود را صرف انجام کارهای خانه می‌کنند. «کار خانگی با وجود اینکه بخش مهمی از تولید اجتماعی است، کاری بدون دستمزد است. در جهان مادی ما که پول ارزش و بهای همه چیز را تعیین می‌کند، کاری که دستمزدی به آن تعلق نگیرد؛ صرف‌نظر از اهمیت آن برای جامعه بی‌ارزش تلقی می‌شود و جایگاه خود را در جامعه نمی‌یابد» (منجم، ۱۳۸۱).

امری که در وهله نخست بیش از هرچیز توجه خواننده را در آثار پیرزاد و آقایی بر می‌انگیزد، اهمیت دادن دو نویسنده به شخصیت زنان خانه‌دار و شرح وظایف هر روزه آن‌ها است. آن‌ها شخصیت‌های زن سنتی آثارشان را از طریق برجسته‌سازی خصیصه خانه‌داری آن‌ها به تصویر می‌کشند. در واقع، زن سنتی با توجه به نقشی که به عنوان همسر-مادر از دیرباز از سوی جامعه برای او تعریف شده، خود را ملزم به انجام وظایف زنانگی که در رأس آن خانه‌داری قرار می‌گیرد، می‌داند.

در آثار زویا پیرزاد، چهره واقعی زن سنتی در داستان «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» نمودی ویژه یافته است. کلاریس شخصیت اصلی داستان، زنی خانه‌دار است که الزامات خانوادگی را برتر از امور شخصی می‌داند. این داستان از همان آغاز با شرح وظایف زنانگی از زبان زن شروع می‌شود: «صدای ترمز کش‌دار اتوبوس از خیابان آمد. منتظر شنیدن صدای دویدن، دست کشیدم به پیش‌بندم. خبری که نشد رفتم به راهرو. در خانه را باز کردم» (پیرزاد، ۱۳۹۱).

تمام نیروی فکری و جسمی کلاریس صرف رسیدگی به امور خانه و کلیشه‌های نقش جنسیتی می‌شود. او زنانگی را صرفاً در کارهای خانه و مسائل مربوط به آن می‌داند و با وجود اینکه خود بر این حقیقت واقف است، هیچ مفری برای گریز از آن ندارد: «از صبح تا شب

جان می‌کنم برای تو و بچه‌ها که چی؟... بچه‌ها جان به سرم بکنند و وقت نداشته باشم برای خودم و کسی یک بار هم نگوید خسته شدی». (پیرزاد، ۱۳۹۱)

فرخنده آقایی نیز در آثار خود، زنان سنتی را اغلب در محدوده خانه و در حال انجام کارهای خانه‌داری به تصویر کشیده است. این زنان همواره در حال ایفای نقش‌های زنانه خود هستند و این نوعی طبیعی‌شدگی را در مورد تقسیم کار جنسیتی به وجود می‌آورد. چنانچه این مضمون در داستان زن و بهشت (مجموعه داستان زنی با زنبیل) به چشم می‌خورد. شخصیت اصلی، زن خانه‌داری است که تمام زندگی‌اش را صرف انجام کارهای مربوط به خانه می‌کند و سرنوشتش با ایفای نقش‌های مبتنی بر جنسیت گره خورده است: «من خیلی زحمت کشیدم. می‌رفتم از بیابان هیزم می‌آوردم. گندم می‌خردم. می‌شستم. می‌بردم آسیاب آرد می‌کردم. خمیر می‌کردم. نان درست می‌کردم. غذا درست می‌کردم. هیچ کمکی نداشتم». (آقایی، ۱۳۷۶)

در نمونه زیر که از داستان خروس قندی از مجموعه داستانی زنی با زنبیل انتخاب شده است، با چهره زنی آشنا می‌شویم که شخصیتش در کارهای زنانه خلاصه می‌شود. از نظر راوی در کنار دلسوز و فداکار بودن، مهارت در انجام کارهای زنانه یکی از معیارهای خوب بودن زن محسوب می‌شود: «ننه‌ام خیلی خوب بود. دلسوز، فداکار، باهنر، رشته درست کن، نان قندی درست کن، شیر و ماست درست کن، خوش اخلاق، مطیع». (آقایی، ۱۳۷۶)

داستان قضا و قدر (مجموعه داستان زنی با زنبیل) شرح زندگی یک‌نواخت زنی است که به اجبار خانواده با مردی تندخو ازدواج می‌کند و از همان اوایل ازدواج، مورد بی‌توجهی شوهرش قرار می‌گیرد. زن هم برای رهایی از احساس تنهایی، خود را با انجام کارهای خانه سرگرم می‌کند و رفته‌رفته این کارها بخشی از شخصیت زن می‌شوند. کارهایی که به زعم او نه تنها فقط وظیفه اوست، بلکه زندگی‌اش را هم خلاصه شده در آن می‌بیند: «من بیچاره شام و ناهار می‌پختم. رختخواب پهن می‌کردم». (آقایی، ۱۳۷۶)

هویت زن

با توجه به خانه‌دار بودن زنان سنتی آثار آقایی، مسأله پیوند خوردن هویت حقیقی این زنان با مفهوم خانواده از مسائل اصلی محسوب می‌شود. ارزش‌های فرهنگی، اجتماعی حاکم بر جامعه و نوع نگرش زنان نسبت به خود، موجب می‌شود که زنان سنتی شخصیت فردی خود را در نظر نگیرند، بلکه شخصیت اجتماعی‌شان که در سایه ازدواج و تشکیل خانواده برای آنان فراهم می‌شود را یک هویت مطلوب برای خود بدانند. «در حقیقت می‌توان گفت: زن متأهل خواه از چشم خود و خواه از چشم دیگران هویت جداگانه‌ای ندارد. زنان متأهل عموماً نیازهای خانواده را بر خواست‌ها و هوس‌های خود ارجح می‌شمارند و در چشم دیگران تداعی‌کننده خانواده خود هستند». (آبوت، ۱۳۸۰)

زنان سنتی آثار پیرزاد نیز هویت خود را تنها در قالب نقش همسر-مادر می‌بینند و شناختی که از خود دارند نیز بر همین نقش مبتنی است. کلاریس در «چراغ‌ها را من خاموش می‌کنم» همواره در حال انجام وظایف سنتی خود در خانواده تصویر شده است. او هر لحظه بیش از پیش به هویت و وضعیت حقیقی خود آگاه می‌شود و درمی‌یابد که شخصیت خود را به عنوان یک فرد مستقل فراموش کرده و هیچ هویت جداگانه‌ای از خانواده برای خود ندارد: «چرا کسی از من نمی‌پرسید تو چه می‌خواهی؟ و مرهربان ذهنم پرسید تو چه می‌خواهی؟ جواب دادم: می‌خواهم چند ساعت در روز تنها باشم، می‌خواهم با کسی از چیزهایی که دوست دارم حرف بزنم». (پیرزاد، ۱۳۹۱)

در نگاه زنان سنتی آثار آقایی، خانواده مهم‌ترین مسأله است. در داستان کوتاه «خانم ف زن خوشبختی است» خانم ف نمونه بارز زنان سنتی است که کار معلمی را به‌خاطر رسیدگی به زندگی خانوادگی کنار گذاشته است: «... روزی که آقای ف به خواستگاری آمد و روی کار نکردنش تأکید کرد، خانم ف از خدا خواسته قبول کرد... با خودش می‌گوید: زنی که کار بیرون می‌کند هیچ‌وقت به شوهر و بچه-هایش خوب نمی‌رسد». (پیرزاد، ۱۳۹۱)

در داستان «رزان ارزان‌تر» (یک زن، یک عشق) فرخنده آقایی نیز شخصیت اصلی، زنی مهربان و آرام است که هر چند وضع مالی مناسبی ندارند، خود با فروش اجناس کوپنی چرخ زندگی را به حرکت درمی‌آورد. با این حال او هویت یک زن را وابسته به زندگی خانوادگی و همسرش می‌داند: «باز هم خدا عمرش بده سایه‌اش بالای سر ماست. زندگی بی‌شوهر می‌خواهم نباشد». (آقایی، ۱۳۷۶)

انقیاد از نظام مردسالار

زنان سنتی آثار آقایی اغلب به صورت موجوداتی ضعیف و وابسته تعریف شده‌اند. وظیفه این زنان تأمین خواسته‌های مرد و در خدمت او بودن است. بر این اساس آنچه در رابطه با زنان سنتی آثار این دو نویسنده برجسته می‌نماید، انفعال و روحیه سازش آن‌ها در برابر مردسالاری است. «مردسالاری، مبتنی بر تبعیض جنسی است؛ یعنی از این عقیده که زنان ذاتاً در مرتبه پایین‌تری از مردان قرار دارند، حمایت می‌کند. این اعتقاد به کهنتری فطری زنان را «ماهیت باوری زیست‌شناختی» می‌نامند». (تایسن، ۱۳۸۷)

در واقع دو نویسنده با ترسیم زنان سنتی که درگیر موانع و قراردادهای نظام مردسالار هستند، نگاه منتقدانه خود را متوجه مسأله مردسالاری می‌کنند. انقیاد زنان سنتی از نظام مردسالاری نیز در عملکردهای مختلف آنان جلوه‌گر است:

سکوت در برابر بی‌تعهدی مردان و حفظ کانون خانواده

عدم مسئولیت‌پذیری مردان در قبال خانواده و واگذاری وظایف خود به زنان، گواه وجود مردسالاری حاکم بر زندگی زنان سنتی است و آنچه در این میان مهم است، سکوت زنان سنتی در برابر این مسأله و پذیرش آن است. دو نویسنده با واقع‌گرایی در آثار خود، زنانی را تصویر می‌کنند که گرفتار محدودیت‌های جامعه مردسالار هستند، اما نسبت به جایگاه واقعی خود آگاهی ندارند و به همین جهت نابرابری‌هایی را که از سوی مردان نسبت به آنان اعمال می‌شود، می‌پذیرند.

داستان «ارزان ارزان‌تر» (از مجموعه یک زن، یک عشق) شرح مشکلات و سختی‌های زنان سنتی است که در سایه ناآگاهی و پذیرش نگرش برتر بودن مردان نسبت به زنان از کمترین حقوق خود محروم مانده‌اند. دیدگاه شخصیت زن داستان که برای اداره زندگی به کارهای بسیار سخت دست می‌زند در صورتی که شوهرش به دنبال خوشگذرانی است، معلول حاکمیت نظام مردسالاری بر زندگی زنان سنتی است: «صبح‌های زود از خانه بیرون می‌آمد تا در صف‌های طولانی بایستد و بعد از ظهرها در کنار زن‌های همسایه حرف می‌زد: ... آن روزها که بیکار بود برایش هرکاری می‌کردم. لباس‌هایم را می‌فروختم پول توجیبی بهش می‌دادم». (آقایی، ۱۳۷۶)

زن داستان «زنی با شال حریر» (مجموعه زنی با زنبیل) نمونه‌ای از زنانی است که وجودش تنها عامل برپادارنده حیات خانواده است. او هم از عهده مسئولیت‌های مربوط به نقش زنانگی‌اش برمی‌آید و هم وظایف مربوط به مرد را انجام می‌دهد: «این همه سال من مردی بالای سر خودم ندیدم... من هم زن خونه و هم مرد خونه بودم... من خودم مرد بودم... با همه چیز ساختم. نشستم زندگی کردم». (آقایی، ۱۳۷۶)

آقایی در داستان «چای سرد آقای امجد» (مجموعه راز کوچک) چهره زنی را به تصویر می‌کشد که جز خانواده هیچ دغدغه‌ای ندارد. محبوبه در این داستان نمونه‌ای از زنان سنتی است که خودش را قربانی خانواده کرده است تا بتواند بنیان آن را حفظ کند. او با پولی که از اجاره خانه به دست می‌آورد، زندگی را می‌چرخاند، اما دم برنمی‌آورد و با بی‌تفاوتی شوهرش می‌سازد: «چقدر زیر پایم نشست که خانه-ام را به اسمش کنم. نکردم... اگر این کار شده بود، حالا از کجا می‌آوردم خرج خودم و بچه‌ها را می‌دادم، آلا با کرایه خانه. هم قسط می-دهم و هم خانه را می‌چرخانم». (آقایی، ۱۳۷۶)

ازدواج اجباری

از دیگر جلوه‌های انقیاد زنان سنتی از نظام مردسالاری، تن دادن به ازدواج‌های اجباری است. در نتیجه سلطه مردان بر اعمال و رفتار و حتی عقاید زنان، قدرت تابعیت از نظر و علائق شخصی خود از زنان سلب می‌شود و در نتیجه مظلوم و خاموش به ازدواج ناخواسته تن

می‌دهند. در داستان «مگس»؛ راضیه بانو، نمونه‌ای از این زنان است که به ازدواجی اجباری تن داده و نارضایتی خود را این‌گونه نشان می‌دهد: «شب عروسی کاسه خورش فسنگان را برمی‌گرداند روی لباسش... می‌گفتند: نمی‌خواستی با بابام عروسی کنه» (پیرزاد، ۱۳۸۱). نمونه‌ای دیگر از ازدواج اجباری در داستان «گوش ماهی‌ها» به چشم می‌خورد. مادر ادموند به اجبار پدرش به ازدواج با شخصی که دوستش ندارد، وادار می‌شود و زندگی سختی را تحمل می‌کند: «نمی‌خواهم. از اولش هم نمی‌خواستم! پدرم وادارم کرد. اگر پای بچه وسط نبود تا حالا رفته بودم».

ازدواج اجباری زنان سنتی داستان‌های آقایی نیز معلول قدرت و اراده مطلق مردان در خانواده است به گونه‌ای که حتی دختران توانایی ابراز عقیده یا انتخاب همسر را ندارند و باید با فردی که توسط پدر انتخاب می‌شود، ازدواج کنند. برای نمونه در داستان قضا و قدر (زنی با زنبیل)؛ زن در سن نوجوانی به اجبار پدرش با فردی ازدواج کرده که هیچ‌گونه علاقه‌ای نسبت به او نداشته و مرد نیز فردی تندخو و بداخلاق است و همه این موارد دست به دست هم می‌دهند تا زندگی برای زن تلخ و تلخ‌تر شود: «از بخت بد خیلی خواستگار داشتم. نه سالگی شوهر کردم. اول منو به کسی دادن که آب تلخ می‌خورد. بدبخت شدم».

مظلومیت و بی‌پناهی

آقایی در داستان‌های خود به شرح مشکلات زندگی زنان و نوع نگرش و برخوردشان با مسائل پیرامون اشاره می‌کنند. «اغلب، زنان باور کرده‌اند که برای رنج کشیدن خلق شده‌اند و در مقابلش هم هیچ‌کاری نمی‌توان کرد. البته زنانی هم در عرصه حیات بوده و هستند که زنان سلطه‌اند و برای آنچه خواهان آن هستند، تلاش و مبارزه می‌کنند. در عین حال موانع بسیاری بر سر راه زنان وجود دارد که از آن-هاموجودی مطیع، سر به راه، خانه‌دار و در خدمت خانواده بسازد» (حیدری و بهرامیان، ۱۳۸۹).

زنان مظلوم داستان‌های آقایی نیز تبلور سازش و صبر هستند. زنانی که بی‌تکیه‌گاه‌اند و شاهد خیانت شوهرانشان هستند، اما چاره‌ای جز سکوت ندارند، هرچند تشکیل خانواده داده تا زندگی مستقل و مردی برای حمایت داشته باشند، اما شوهرانشان هیچ حقی در زندگی برای آن‌ها قائل نیستند و به چشم یک انسان بی‌ارزش به آن‌ها می‌نگرند.

در داستان «جنسیت گم شده»؛ لاله، نمونه‌ای از زنان سنتی سلطه‌پذیر و مظلوم است که با وجود بی‌کفایتی و اعتیاد شوهرش هم نقش زن و هم نقش مرد را ایفا می‌کند، بی‌مسئولیتی شوهرش را می‌بیند، اما روی حرف او حرف نمی‌زند و با بردباری و سکوت حامی او نیز هست: «... می‌گفت: خدا شاهد است من از شوهرم مثل یک بچه نگهداری کردم. مواظبش بودم تا بلایی سرش نیاید... من همیشه مواظبش بودم. هم زنش بودم، هم مادرش هم منبع درآمدش».

دیگر زنان داستان‌های آقایی نیز چنین بینشی دارند. در نمونه زیر از داستان «زن در پارک» (مجموعه زنی با زنبیل)؛ صحبت‌های زن با همسایه‌اش، بیان‌گر نوع نگاه زنان سنتی نسبت به جایگاه فرو دست خود در برابر مردان و خودکم‌بینی آن‌ها است که همین امر، پذیرش سلطه مردان بر آن‌ها را باعث می‌شود: «به یکی گفتم شوهرت کجاست؟ گفت: قبرستون. گفتم: این‌طوری نگو. قدر شوهرتو بدون. فداکار باش. وفادار باش. راست و درست».

تحت حاکمیت نظام مردسالار، زنان سنتی باید فداکار و صبور باشند و حتی در برابر ازدواج مجدد و خیانت همسرانشان، سکوت پیشه کنند. در داستان «ترمینال» (مجموعه زنی با زنبیل)؛ شخصیت اصلی، زن مظلومی است که زندگی‌اش با رنج و مشقت گره خورده است و ناهمواری‌های جامعه مردسالار آن را سخت‌تر می‌کند. او زمانی که از ازدواج مجدد شوهرش باخبر می‌شود، راهی جز تسلیم و سکوت ندارد: «بعد از سه ماه رفت سمنان... وقتی اومد گفت: صیغه‌اش کردم. گفتم چی؟ خاک تو سرم شد... شوهرم می‌گه نه تو رو طلاق میدم نه از اون دست می‌کشم».

در داستان «ولگا» (از مجموعه یک زن، یک عشق)؛ ولگا، تجسم بارز بی‌پناهی، تنهایی و مظلومیت زنانی است که پس از جدایی از همسر، هیچ تکیه‌گاهی ندارند. او برای پیدا کردن سرپناهی که بتواند شبی را در آن بگذراند به خانه همه دوستان قدیمی‌اش سر می‌زند، اما هیچ‌کدام حاضر به پناه‌دادن به او نیستند. او آواره خیابان‌ها می‌شود و شب‌ها در پارک می‌خوابد: «انگار یک گروهی دنبالم هستند که به دوستانم بگویند جایی به من ندهند... از بی‌جایی و گاهی از گرسنگی حواسم پرت می‌شود».

داستان «ارزان ارزان‌تر» (از مجموعه یک زن، یک عشق)؛ خیانت و بی‌وفایی شوهر دردی است که مظلومیت و بی‌پناهی زن داستان را دوچندان می‌کند. او زمانی که از ازدواج شوهرش باخبر می‌شود با حالت یأس و اندوه آن را می‌پذیرد و نه تنها مخالفتی نمی‌کند، بلکه با کمال مهربانی، الگوهای طلایش را برای تأمین هزینه‌های ازدواج شوهرش به او می‌دهد: «به یاد در صف ایستادن‌ها و بارکشی‌ها و حمالی‌های افتاد و کمردرد و گردن‌درد و پادردش... الگوها را یکی یکی درآورد... همه را گذاشت توی طاقچه».

پایبندی به سنت‌ها و عرف مرسوم

ویژگی بارز زنان سنتی آثار آقایی، پایبندی به سنت‌ها و عرف مرسوم و عمل کردن طبق آن‌ها است. این زنان هیچ‌گاه قدمی از محدوده قوانین فکری و سنتی حاکم بر زندگی خود فراتر نمی‌نهند و قدرت برهم زدن و یا گسستن از آن‌ها را ندارند. التزام به رعایت سنن مقبول از سوی زنان سنتی آثار آقایی در دو حوزه به چشم می‌خورد: ۱- پایبندی به سنن و رسوم مذهبی و ۲- پایبندی به رسوم ازدواج.

پایبندی به سنن و آداب دینی

گرایش به مذهب، عامل اصلی ترویج فضایل در افراد می‌شود. ایجاد ارتباط با خالق هستی، موجب می‌شود که با حوادث ناخوشایند راحت‌تر کنار بیایند و کمتر دست‌خوش ترس و تردید شوند. «فرد مومن با اتکاء به قدرت الهی و اعتقاد به اینکه خدا را قادر، حاضر و پاسخگوی همیشگی نیاز خود می‌داند، احتمال وقوع حوادث مثبت و خوشایند را برای خود بیشتر دانسته، حوادث منفی را با توکل به نیروی ایمان دینی خود به راحتی پشت سر می‌گذارد» (عسکری و همکاران، ۱۳۸۹).

تمسک به مذهب و مناسک دینی پیامدهای گسترده‌ای در رشد و تکامل زندگی فردی و اجتماعی انسان‌ها دارد. دین برای زنان سنتی داستان‌های آقایی یک تسلی‌بخش است که در شرایط بحرانی زندگی، روحیه آن‌ها را مقاوم می‌سازد. آن‌ها برای رهایی از رنج‌های زندگی و تسکین آلام روحی خود به مذهب و مناسک دینی روی می‌آورند. برای نمونه در داستان «ارزان ارزان‌تر» (یک زن، یک عشق)؛ زن صاحب‌خانه برای بازیافتن سلامتی پسرش آش نذری پنج تن پخته و مراسم روضه‌خوانی برپا کرده است: «آش پنج‌تن را پنج‌شنبه‌ها می‌پختند... زن‌ها صلوات فرستادند. آقا شروع کرد به خواندن روضه موسی بن جعفر (ع)... زن‌ها گریه می‌کردند...». در این مجلس که فرصتی برای گرد آمدن و ملاقات زنان با یکدیگر نیز است، به درخواست سایر زنان حاضر در مجلس، مداح به روضه‌خوانی نیز می‌پردازد و زنان به درخواست حاجات خود از خداوند می‌پردازند: «... مهمان‌ها هر کدام روضه ابوالفضل، امام حسن، حضرت رقیه، امام حسین و حضرت فاطمه را خواستند. آقا همه را خواند...». در این داستان، نویسنده از حسن نیت و اعتقاد پاکی که زنان سنتی جامعه به آداب دینی دارند، پرده برداشته است.

پایبندی به سنن مربوط به ازدواج

در آثار آقایی؛ زنان سنتی به ناچار تابع سنت‌های خانوادگی و اجتماعی هستند و عدول از این اصول و ارزش‌ها را نوعی هنجارشکنی می‌دانند. نمونه‌ای از این سنن که زنان خود را مقید به رعایت آن می‌دانند، سنن مربوط به ازدواج است. از آنجا که بیشتر وقایع داستان‌های پیرزاد در رابطه با ارامنه ساکن در ایران است، نویسنده به شرح رسوم زندگی آن‌ها نیز توجه کرده است. نزد زنان سنتی این داستان‌ها، ازدواج یک ارمنی با فردی از پیروان دین دیگر به منزله سنت‌شکنی است. در داستان «گوش ماهی‌ها»؛ مارتا تعرض از هنجارهای مربوط به ازدواج را از سوی دخترش آلتوش بر نمی‌تابد. آلتوش می‌خواهد با پسری مسلمان به نام بهزاد ازدواج کند، اما مادرش مارتا با این مسأله مخالفت می‌ورزد: «دستش را گذاشت روی بازویم: خواهش می‌کنم ادموند! یک کاری بکن! ... از دم در آشپزخانه برگشت نگاهم کرد و گفت: طاقتش را ندارم». مادر بزرگ و عمه آلتوش در این داستان، از دیگر نمونه‌های زنان سنتی هستند که با دخترانی که برخلاف عرف مرسوم فرهنگی خود با فردی از یک مذهب دیگر ازدواج کرده‌اند، قطع رابطه می‌کنند: «سال‌ها پیش که دختر یکی از اقوام با یک انگلیسی ازدواج کرد، مادر بزرگ و عمه تا به دنیا آمدن اولین دخترشان به دیدنشان نرفتند».

زنان مدرن در آثار آقایی

گرایش به مدرنیته، یکی از شاخصه‌های اصلی زنان مدرن آثار آقایی است. این زنان برخلاف زنان سنتی، دارای ویژگی‌هایی چون تساوی طلبی، پیشرفت گرایی و استقلال طلبی هستند. آن‌ها هرچند وظایف مربوط به نقش همسر- مادر را به خوبی ایفا می‌کنند، اما مانند زنان سنتی تمام وجود خود را صرف امور زندگی خانوادگی نمی‌کنند و هویتی مستقل از خانواده برای خود قائل‌اند. این زنان در پرتو نگرش آگاهانه، نابرابری‌های حاصل از نظام مردسالار را بر نمی‌تابند و برای این منظور با احراز مشاغل مختلف به استقلال اقتصادی و شخصیتی دست می‌یابند.

اشتغال و کسب استقلال اقتصادی

تقسیم کار در میان زن و مرد از همان ابتدای تاریخ از زمانی که زنان در غارها به تربیت و نگهداری فرزندان می‌پرداختند و مردان برای شکار به خارج از غارها می‌رفتند، صورت می‌گرفته است. «تقسیم کار، زمانی پدید آمد که تخصص مطرح شد، اما مبنای رابطه میان زنان و مردان و تقسیم وظایف آن‌ها موضوعی بسیار فراتر از بحث تخصص بوده است. با توجه به مردسالاری بودن جامعه، تقسیم کار به صورت درستی انجام نمی‌شود یا بسیار ناچیز است؛ این در حالی است که این امر در بیشتر جوامع شرقی و جهان سوم امری عادی تلقی می‌شود» (خانیا، ۱۳۸۷).

یکی از مشخصه‌های زنان مدرن آثار پیرزاد، ورود به عرصه فعالیت اقتصادی و تلاش برای کسب درآمد است. در مقایسه با زنان سنتی که اکثر اوقات خود را در خانه صرف انجام فعالیت‌های خانه‌داری می‌کنند، زنان مدرن با حضور در دنیای بیرون از خانه و اشتغال در مشاغل مختلف، بخشی از توان خود را مصروف درآمدزایی می‌کنند و به استقلال مادی و شخصیتی دست می‌یابند. در واقع نویسنده با انتخاب برش‌هایی از زندگی زنان شاغل، نحوه گذران زندگی و دغدغه‌های آن‌ها را نسبت به وضعیت زنان خانه‌دار مقایسه کرده است. در «عادت می‌کنیم»؛ زنان با ورود به عرصه کار و فعالیت، هر یک در حد توانایی خود به وضعیت اقتصادی خانواده کمک می‌کنند. در این داستان، زنان، نقش مرد را در خانواده ایفا می‌کنند و بسته به شرایط و موقعیتی که دارند، مسئولیت اداره خانواده را برعهده می‌گیرند.

مبارزه با نظام مردسالاری و اثبات هویت زنانه

زنان نوگرای آثار آقایی معتقدند که زن و مرد باید دارای حقوق برابر باشند. آن‌ها تابعیت از نظام مردسالاری را که محدودکننده زنان در حوزه‌های خانوادگی، فرهنگی، اجتماعی و... می‌شود، نمی‌پذیرند و در حد قابل توجهی گرایش به احراز هویت مستقل و ارزش وجودی برابر با مردان دارند. زنان مدرن داستان‌های پیرزاد، اغلب در پی شناخت توانایی‌های زنانه و تلاش برای دستیابی به هویتی مستقل هستند. در واقع این زنان با مقابله با نظام مردسالار و سنت‌های نادرست فرهنگی در اثبات هویت خود می‌کوشند. به طور کلی، زنان مدرن آثار آقایی حضوری گسترده در پهنه اجتماع دارند. آن‌ها برخلاف نگرش‌های منفی و تعصب‌آمیز که زنان را افرادی ضعیف و فاقد اعتماد به نفس می‌پندارند در فعالیت‌های اجتماعی و اقتصادی شرکت و حتی گاهی بهتر از مردان عمل می‌کنند.

گسستن از سنت‌ها

زنان مدرن آثار آقایی نسبت به اعتقادات و سنن رایج در میان خانواده و محیط زندگی خود چندان پایبند نیستند. آن‌ها با آگاهی و بینشی که دارند سنت‌های مرسوم را بر نمی‌تابند و برخلاف زنان سنتی که معتقدند زن باید همان راهی را برگزیند که خانواده و شوهرش برای او انتخاب می‌کنند، قدرت خطرپذیری دارند و از این رو، برای نیل به اهداف خود با اغلب اعتقادات و ارزش‌های سنتی می‌جنگند. «به ندرت در اینجا و آنجا زانی روشن فکر یافت می‌شود، زانی که سخت در تلاشند خود را از دام پابندی‌هایی که آداب و رسوم بر آن‌ها تحمیل کرده است، برهانند. در این زمان است که انسان خوی و خصلت و قدرتی را که این جنس دارا است و بخش اعظم آن در زنان هم‌میهنش به خواب رفته است، تشخیص می‌دهد» (کولیور رایس، ۱۳۶۶).

در کنار زنانی که در زندگی خاموشی را پیشه خود ساخته‌اند، دسته دیگری از زنان هستند که با آگاهی برای به دست آوردن آزادی می‌کوشند. زنان مدرن آثار پیرزاد راه‌های رسیدن به موفقیت را با تابعیت از این سنن، محدود نمی‌کنند و از قدرت تصمیم‌گیری و استقلال برخوردارند. یکی از نمودهای این مسأله، زیر پا نهادن سنن مربوط به ازدواج است. آلتوش در داستان «گوش ماهی‌ها»؛ نمونه‌ای از این زنان است که برخلاف عرف معمول هم‌وطنانش، می‌کوشد تا با مردی ایرانی به نام بهزاد ازدواج کند و هرچند با مخالفت شدید مادر و خویشاوندانش مواجه می‌شود، اما در نهایت تصمیم خود را عملی می‌سازد: «من و بهزاد تصمیم گرفتیم ازدواج کنیم... سعی کردم عکس‌العمل‌ها را حدس بزنم. اول ناباوری، بعد تعجب، بعد سکوت، بعد...».

در آثار آقایی نیز آگاهی زنان مدرن، آن‌ها را به ضدیت با سنن و افکار مرسوم وامی‌دارد. این زنان هرگاه که احساس کرده‌اند پایبندی به این سنن، موجب محدود کردن فرصت‌های پیشرفتشان می‌شود، بدون توجه به مخالفت خانواده براساس عقیده و نظر شخصی خود عمل می‌کنند. برای نمونه در داستان ولگا، مادر ولگا زنی مسیحی است که می‌خواهد با مردی مسلمان ازدواج کند و این از نظر خانواده و سایر خویشاوندانش امری غیرممکن است، اما مادر ولگا بینشی متفاوت دارد: «مادام یک بار گفته بود که مادر ولگا با یک مسلمان ازدواج کرده و برای همیشه از آنجا رفته است، اما همسایه‌ها حرف‌های خودشان را می‌زدند».

در داستان «یک زن، یک عشق»، عاطفه با کسی که به او علاقه‌مند است، ازدواج می‌کند و به مخالفت‌های پدر و خانواده‌اش اهمیتی نمی‌دهد و برای رسیدن به خواسته‌اش مقاومت می‌کند: «یواشکی رفته با یک پسری عروسی کرده. حالا پسر را گرفته‌اند. اکبر آقا هم حاضر نیست رضایت بدهد».

هویت اجتماعی در رمان بگذار عاشقت شوم

در رمان «بگذار عاشقت شوم»، مفهوم هویت اجتماعی به عنوان یک موضوع مهم و گسترده مورد بررسی قرار می‌گیرد. این رمان به طور عمده از دیدگاه شخصیت اصلی، تجربیات و احساسات او درباره هویت اجتماعی را بازتاب می‌دهد. در اینجا چندین جنبه از هویت اجتماعی که ممکن است در رمان مورد بحث قرار گیرد، ذکر می‌شود:

تأثیر محیط در ایجاد هویت اجتماعی زن

شخصیت اصلی رمان ممکن است با تعاریف مختلف از خود و جایگاه خود در جامعه مواجه شود. او ممکن است با انتظارات دیگران، انتظارات خود و مسائلی مانند هویت جنسیتی، اجتماعی، فرهنگی و مذهبی مواجه شود که می‌تواند به شکل‌گیری هویت اجتماعی او تأثیر بگذارد. روابط شخصیت اصلی با دیگر شخصیت‌ها و اعضای جامعه نیز می‌تواند نقش مهمی در شکل‌گیری هویت اجتماعی او داشته باشد. روابط عاطفی، خانوادگی، دوستانه و حتی روابط حرفه‌ای ممکن است به احساسات و تصورات شخصیت اصلی درباره خود و دیگران تأثیر بگذارند.

تأثیر محیط در ایجاد هویت زن

محیط جامعه و فرهنگی که شخصیت اصلی در آن زندگی می‌کند نیز می‌تواند تأثیر گذار باشد. انتظارات، ارزش‌ها، باورها و تصورات مربوط به جامعه و فرهنگ ممکن است به شکل‌گیری هویت اجتماعی او کمک کنند یا مانع آن شوند. در طول داستان، شخصیت اصلی ممکن است با تحولات و رخدادهای مختلف روبرو شود که می‌تواند به تغییر در هویت اجتماعی او منجر شود. این تحولات ممکن است از طریق تجربیات آموزنده، اشتباهات و یادگیری‌های جدید صورت بگیرد.

تأثیر طبقه اجتماعی در هویت اجتماعی زن

نقش خانواده و طبقات اجتماعی در این داستان کاملاً مشهود و آشکار است و محیطی که زن در آن رشد و پرورش می یابد در این مقوله بسیار تأثیرگذار می باشد. زن توصیف شده در این داستان که در محیط پرورشگاه بزرگ شده است، با جود ارتقای جایگاه اجتماعی نتوانسته بر ذهنیت خانواده فردی که قرار است همسر وی شود، تأثیر شگرفی بگذارد و از این رو می توان گفت که رشد یافتن در محیط های مختلف خانوادگی یا اجتماعی می تواند تصمیمات بزرگ زندگی افراد را به دلیل فرهنگ غالب در جامعه، تحت تأثیر قرار دهد. با توجه به این موارد، هویت اجتماعی در رمان «بگذار عاشقت شوم»، می تواند به عنوان یک موضوع مرکزی مورد توجه قرار گیرد که تأثیرات عمیقی بر شخصیت اصلی و داستان دارد.

نتیجه گیری

در داستان های فرخنده آقایی نیز با زنانی مواجهیم که هرگاه احساس کرده اند به دلیل بی کفایتی همسرانشان خطری بنیان خانواده را تهدید می کند، خود دست به کار شده اند و حفظ ثبات خانوادگی را برتر از خواسته های شخصی دانسته اند. در واقع مسئولیت پذیری این زنان نسبت به خانواده، وضعیتی را برای آن ها به وجود می آورد که گویی خود را فدای دیگران کردن، لازمه وجودی ایشان است. فرخنده آقایی نیز در آثار خود، زنان سنتی را اغلب در محدوده خانه و در حال انجام کارهای خانه داری به تصویر کشیده است. این زنان همواره در حال ایفای نقش های زنانه خود هستند و این نوعی طبیعی شدگی را در مورد تقسیم کار جنسیتی به وجود می آورد. چنانچه این مضمون در داستان زن و بهشت (مجموعه داستان زنی با زنبیل) به چشم می خورد. زنان سنتی آثار آقایی اغلب به صورت موجوداتی ضعیف و وابسته تعریف شده اند. وظیفه این زنان تأمین خواسته های مرد و در خدمت او بودن است. بر این اساس آنچه در رابطه با زنان سنتی آثار این دو نویسنده برجسته می نماید، انفعال و روحیه سازش آن ها در برابر مردسالاری است. «مردسالاری، مبتنی بر تبعیض جنسی است؛ یعنی از این عقیده که زنان ذاتاً در مرتبه پایین تری از مردان قرار دارند، حمایت می کند. آقایی در داستان های خود به شرح مشکلات زندگی زنان و نوع نگرش و برخوردشان با مسائل پیرامون اشاره می کنند.

منابع

- آبوت، پاملا و والاس، کلر. (۱۳۸۰). «جامعه شناسی زنان»، ترجمه منیژه نجم عراقی، ج ۲، تهران: نشر نی.
- آقایی، فرخنده. (۱۳۷۶). «یک زن، یک عشق»، ج ۲، تهران: انتشارات نیلوفر.
- برکت، بهزاد. (۱۳۸۷). «هویت و بازتاب آن در ادبیات معاصر ایران»، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- پیرزاد، حسین. (۱۳۹۱). «شهرزاد قصه گو داریم نه شهراد»، خردنامه، همشهری ش ۵۶، صص ۱۷۳-۱۶۶.
- حیدری، فاطمه، بهرامیان، سهیلا. (۱۳۸۹). «زنان سلطه و تسلیم در آثار زویا پیرزاد»، اندیشه های ادبی (۲)، ۱۲۶-۱۴۵.
- خانیا، پروانه. (۱۳۸۷). «زنان ایران و چشم انداز توسعه»، ج ۱، اصفهان: بینش آزادگان.
- عسگری، پرویز، روشنی، خدیجه، مهری آدریانی، مریم. (۱۳۸۹). «رابطه اعتقادات مذهبی و خوش بینی با سلامت معنوی دانشجویان دانشگاه آزاد اهواز»، یافته های نو در روانشناسی، صص ۳۹-۲۷.
- کولیوررایس، کلارا. (۱۳۶۶). «زنان ایرانی و راه و رسم زندگی آنان (سفرنامه)»، ترجمه اسدالله آزاد، ج ۲، مشهد: معاونت آستان قدس رضوی.
- منجم، رویا. (۱۳۸۱). «زن - مادر (نگاهی متفاوت به مسئله زن)»، ج ۳، تهران: مس.

Investigating the components related to women's social identity from the point of view of contemporary women writers (a case study of the works of Farkhandeh Aghaei)

Ziba Moradi

Master's student in the field of literature, Islamic Azad University, Shiraz branch, Iran

Zahra Rafiei

Member of Faculty of Literature, Islamic Azad University, Shiraz Branch, Iran

Abstract

Traditional women of men's works are depicted with characteristics such as housekeeping, submission to the patriarchal system, and adherence to traditional traditions. These women spend all their time taking care of family life and their fate is tied to doing women's work. They endure all the hardships of life to maintain the center of family life in such a way that the family has become a part of their existential identity. Most of the traditional women in the works of these two writers are defenseless, lonely and failed women, and their most important characteristic is passivity and compromise in front of men. According to the results of this research, along with the increasing presence and rapid progress of female novelists in the society, their tendency to choose romantic and popular titles, and in the next order, the titles suitable for the female nature of the foundation and feminist thoughts to find identity and gain legitimacy in Narrative is evident. Considering the effect of the novel, in shaping people's knowledge and mentality about social issues, and considering the widespread presence of women writers in the field of novel writing in the 1980s and 1990s, this article seeks to represent the social identity of women in the context of the narrative. determines the way the female protagonist acts in different story situations, which can be a representation of the female identity that exists in the society.

Keywords: social identity, contemporary woman, Farkhande Aghaei